

سرمقاله:

انتخابات، اوج گیری مجدد شگردهای ارتجاعی

پدر لاقانی:

... میدانم چرا نگرندند.
 هنوز در مجلس خبرگان بحث میکنند در این
 اصل اساسی قرآن (شورا) که به چه صورت
 پیاده بشود. باید؟! شاید؟! آیا اینکه
 می توانند؟! ...
 مگر در سند که این شورای نیم بند تشکیل
 شد ضروری بجایی رسید؟
 میگویند آقا شما چرا این مسایل را در میان
 توده مردم مطرح میکنید آیا نیت در
 مجلس خبرگان، میگویم بین موکلین شما
 من مطرح میکنم ...
 خود را بی و خود خواهی را کنار بگذارید،
 گروه گرایی و فرصت طلبی و تحمیل عقیده
 و یا خدای نخواسته استبداد زیر پرده دین
 را کنار بگذاریم و بیاییم با مردم.

چرا آنهایی که بر سر قدرت می توانستند شوراایی عمل کنند نگرندند ...

بروزی و وقاحت و دردی اترجاع خود مردم نمی شناسد. بویژه آنکه که در
 آستانه زوال تاریخی و سقوط سیاسی اشکار باشد. بویژه وقتی پای میلیاردها
 تومان حیف و میل و سوءاستفاده و خامه خرجی در آنچه خود اترجاع نهادهای
 خودجوش (نظیر بنیاد مستضعفین) می نامد در میان باشد. بویژه آنکه که
 انتخاباتی سرنوشت ساز پیش روی افراد داشته باشد.
 انتخابات ریاست جمهوری برای هر ناظر بی طرف دو نتیجه بسیار مهم را
 گواهی می داد. نتایجی وابسته به هم و نتایجی همچون دوروی یک سکه:
 ۱ - رسوایی "مردم" اگر با پولشالی که پوسته مدعی تولیت در صد
 بسیار عظیمی از کاره بودند.
 ۲ - استقبال بی نظیر توده های مردم در سراسر کشور از نیروها و رهبری
 راستین انقلابی که البته در نیمه راه آلاچار از دور مبارزه انتخاباتی کنار
 کشیدند. همانها که خط انقلاب را نه از طریق هویز و سپهد مقدم و بختیار و
 سولیان، بل از میان آتش و خون و شکنجه پیش برده بودند. چه کسی نمیداند
 که اندامها، رشایان غاصب، همان عابثان جوان و "سپاه" متدیان دنیوی رژیم شاه
 که اکنون قصد آن کرده اند که در پشت میز مذاکره سازشکارانه با هویز و
 سولیان "خون شهدا" را شمر برسانند. از هیچ توطئه و خنایاتی برای لگد مال
 کردن خون شهدان و منجمله شهیدان مجاهدین خلق ایران، طی این مدت
 فروگذار نگردند.

گزارشی از: راهپیمائی ها و ورژه میلیشیا در شهرهای استان مازندران

بنام خدا
 بنام خلق قهرمان ایران
 امروزه جوانان پرشور و انقلابی
 ما که در کوران انقلاب آیدیده شده اند
 تحقق آرزوها و اهداف مکتبی خود را
 در وجود میلیشیا می بینند. آنها
 خوب می دانند که یک مبارز مکتبی
 هرگز یک مرحله از مبارزه را پایان
 مبارزه تلقی نکرده و برعکس با
 اشتیاق هرچه بیشتر به مرحله بعدی
 قدم می گذارد. پایان یافته تلقی
 کردن مبارزه فقط برای کسانی است
 که صرفا برای منافع خود و برای
 موهوم چینی از خون شهدا وارد صحنه
 می شوند. و همینکه به هدفهای خود
 دست یافتند، بی توجه به تمامی ارزش
 های انقلابی و آرمانهای انقلابی و
 مردمی ... به حفظ موقیتهای باد
 آورده خویش دلخوش می کنند. یک
 مجاهد خلق و یک انقلابی واقعی
 در هر مرحله از مبارزه، هدفهای بلند
 مدت و ارزشهای متعالی مکتب را مد
 نظر فراموشی ندهد. و بهمین دلیل بجای
 درجا زدن و تن به شرایط دادن، از
 گذشته تجربه می اندوزد و با عزمی
 و حکم و استوار راه آینده را می بیند.
 تجربیاتی که اگر بهای لازم به آنها
 ندهیم بی تردید خون هزاران شهید
 را هدر دادیم. بی المثل برای خلق
 ما که در قیام ۲۲ بهمن خود تجربه بزرگی
 بود زیرا بجای اینکه منتظر سازشکاران
 بماند و چشم بدهان این و آن بدوزد
 خود اسلحه بدست گرفت و خروشان و
 سهمگین بر سر دشمنانش فرود آمد. و
 باز از این قیام آموخت که در هر
 انقلاب توده های مهمترین نقش تعیین
 کننده را مردم دارند. مردمی آگاه،
 بسیج شده و متحد، بخصوصی که این
 ویژگیها در الهام بخشی، نظر امام
 تشریح یافته اند. و تنها زمانی پرورزی
 واقعی را بدست می آورند که همگی با
 هم بجای خیزند و مبارزه کنند. و
 پرورزیها نیز زمانی تداوم دارند که باز
 تمامی خلق به حفظ دستاوردها و
 استمرار مبارزه اقدام کنند. آنچه نه
 بطور پراکنده و خود بخودی بلکه
 سازمان یافته و منظم، در این میان
 طبیعتا نقش بسزنی که مسئولیت امور
 را بر عهده می گیرد از اهمیت ویژه ای
 برخوردار است. ... و این همان
 ملیشیا، باجرگه های متفلسط است. اما بهر
 حال - این نیروهای انقلابی مردمی
 هستند که با شکل و بسج همسانه
 این پشتوانه تداوم انقلاب و تسکین
 موانع این راه می باشند.
 این پشتوانه همان میلیشیا با
 جرگه منمقوت و بعبارت دیگر همان
 ارتش ۲۰ میلیونی خلق است. زیرا
 یکشنبه در صفحه ۲



تجمع پرسنل انقلابی ارتش در مسجد دانشگاه تهران

نگاهی بر حرکت و تحسن اخیر در جبهه داران

آنهايي که فرودگاه را برای ورود امام بستند، حالا
 فرماندهان ارتش شده اند و پیرستل مبارز مسلمان
 را بجرم ضد انقلاب با از تش خراج می کنند.

پس از گذشتن قریب یکسال از
 انقلاب، شاهد طرح دوباره ساله
 ارتش در جامعه هستیم. در این یکسال
 جز اعلامیه ها و اطلاعیهای ستاد
 ارتش، کمتر خبری از اوضاع و احوال
 درونی ارتش در سطح جامعه شناس
 میشد. اگر چه گاه و بگاه در لایزال
 صفحات روزنامه ها ... اخباری که
 حاکی از ناراضیهای پرسنل و افتار
 با پشتیبانی ارتش بود، چشم می خورد، که
 تا حدودی با شای ترسیم شده از
 جانب دست اندکاران اختلاف داشت
 ولی در روز بزرگداشت قیام بهمن ماه،
 نظارتهای و راهپیماییهای پرسنل ارتش
 در خیابانها، خاطره روزهای انقلاب
 یکشنبه در صفحه ۲

دانشگاه و انقلاب (۱۳) وظایف دانشجویان انقلابی در قبال اقشار و طبقات اجتماعی

و درست در همین نقطه سوال
 بسیار اساسی پس چه باید کرد مطرح
 میشود و از همین جا مشکلات ما آغاز
 میگردد.
 نقش دانشجو در قبال کارگران،
 طبقه دانشگاه و در مقابل مشکلات
 فرهنگی مدارس، عملکرد دانشگاه در
 تحقق دموکراسی و شیوه صحیح
 برخورد با جریانیها و نیروهای
 مختلف اجتماعی و مخصوصا در داخل
 دانشگاه ... که باید با باری خدا با
 هم مورد بررسی قرار دهیم. -
 این آخرین پاراگراف از اولین
 مقاله دانشگاه و انقلاب بود. ما را
 سلطه مملات گذشته تا آنجا که مقدر
 بود برخی از این مشکلات را مورد
 بررسی قرار دادیم. تا حدی رابطه
 نیروهای داخلی دانشگاه با یکدیگر و
 نیز چگونگی برخورد اصولی با
 جریانیهای اجتماعی را مطالعه کردیم،
 و تلاش کردیم که این مسائل را در
 ضمن بررسی مسائل سیاسی روز تجربه و
 تحلیل کنیم. تا اینکه بالاخره
 در آخرین شماره بطور کلی رابطه
 دانشجویان و سازمانهای دانشجویی را با
 یکدیگر در قبال ساله جبهه واحد ضد
 امپریالیستی مورد بررسی قرار دادیم.
 اکنون بنظر می رسد بدلائل
 گوناگون میتوانیم به برخی دیگر از
 مشکلاتی که در اولین مقاله و مقدمه بررسی
 آنها را داده بودیم، بپردازیم. یعنی
 چگونگی برخورد دانشجویان انقلابی
 با اقشار و طبقات اجتماعی و در این
 همه آنها طبقه کارگر. بدون شک اگر
 دانشجویان متعهد و منضبط
 دانشجویان انقلابی به این وظیفه
 اساسی نپردازند در واقع نقش اساسی
 روشنفکر که همانا بردن ایدئولوژی
 انقلابی به میان توده های روشنگر و
 مخصوصا کارگران است که بدون فراوانی
 سرده شده و چرا که بدون پیوستن
 جویبار روشنفکران به دریای خروشان
 خلق. مبارزات آنها عقب خواهد
 ماند.
 به عبارت دیگر در روی تمام
 فعالیتها ی گوناگون سیاسی روشنفکران
 متعهد باید به هدف اساسی آنها کردن
 و شکل توده های تحت ستیم چشم
 بدوزند. و به این نکته معافا اینان
 دانسته باشند که هرگز بدون تکیه بر
 توده های آگاه و سازمان یافته نمیتوان
 از یک انقلاب، آنچه انقلاب ضد
 امپریالیستی، ضد ارتجاعی سخن
 گفت. این توده های آگاه و سازمان
 یافته هستند که موفق خواهند شد با
 رهبری سازمانهای انقلابی وابستگی به
 امپریالیسم را در تمام ابعاد سیاسی-
 اقتصادی - فرهنگی و نظامی آن
 نفی کنند و ساختمان جامعه ضد
 استثنای توحیدی را با تمام ابعاد آن
 پایه گذاری نمایند.

ایدئولوژی: مفهوم صلاحیت از دیدگاه علی (ع)

خطبه ۱۷ هجرت لیلای غه
 علی با بیان ویژگیهای رهبران نا صالح،
 خصوصیات رهبری انقلابی را نتیجه میگیرد

این خطبه درباره خصوصیات
 منکردهای رهبران بدون صلاحیت
 ایراد شده است. یعنی گناهی که در
 ابعاد اداره یک جامعه با انقلاب
 قرار گرفتند، لیکن در عمل هیچگونه
 وحدتی بین ایشان و مسئولیتی که
 برعهده گرفته اند وجود ندارد.
 عبارت دیگر، از توان و تابستگی
 عملی و نظری لازم برای حل تضادها و
 مشکلات برخورداری نوده و جامعه با
 انقلاب تحت مسئولیت و رهبری آنها
 است. تنها جلو نمی رود. بلکه سر
 انحطاطی و رو به فقرا نیز پیدا
 می کند.
 باین ترتیب حضرت علی در این
 خطبه مفهوم "صلاحیت" و شرایط یک
 رهبری صالح - را از طریق تشریح
 خصوصیات وجه متضاد آن، یعنی
 رهبران بی کفایت و نا صالح، و با
 هدایت و عنصر آگاه (بشارت)
 بطور کلی عنصر صلاحیت، حاکم، حامی
 دارد. گالیکنه در بررسی تجارب
 مبارزاتی انقلابی ماسم و ارسله مبارزه
 خلق خودمان (طی آلهای قبل از
 تولد جنس نبوت انقلابی) نیز کمتر
 موردی می توان یافت که در تحلیل
 علل شکستهای انحرافات و بی
 بسطها، بنحوی پای عنصر رهبری و
 معضفا و عدم کفایتهای رهبران
 سیاسی همان نباید (صرف نظر از
 بررسی شرایط و زمینه های عینی) بی
 جهت نیست که در قرآن (و همچنین
 نهج البلاغه) تشریحات و تمثیلهای
 متعددی در این مورد آمده و در
 همه آنها روی صلاحیت و عمل
 یکشنبه در صفحه ۲

- در صفحات دیگر:
- اعتراضات
- هواداران مجاهدین به
- روزنامه جمهوری اسلامی
- گزارشی از راهپیمایی
- میلیشیا مازندران
- گزارشی از سیل خوزستان
- در گنبد چه گذشت؟
- شیوه تهیه گزارش کارگری
- تحلیلی بر کفر فراس پاکستان
- و مسئله افغانستان
- جنبش اتحادیه ای
- دردهای یک درجه دار
- یاد شهدان را گرامی
- بداریم
- اخلاق انقلابی

شیوه تهبه گزارش کارگری:

در بحبوحه قیام یک گزارش واقع بینانه از اعتصاب کارگران نفت نیروی تازه ای را در کالبد انقلاب خلق می دمید

جاهد شماره ۱۳، کورمپوستانها در شماره ۱۵ و گزارش از کارگران میدان در شماره های ۲۱ و ۲۲ می باشد. در گزارش اخیر روزنامه بودن کارگران و نداشتن هیچکدام از مزایای کارگری از قبیل حق سکن و اولاد مطرح شده است.

ضمن آرزوی موفقیت برای کتبه خواهران و برادران که با تهیه گزارش ما را باری خواهند داد، لازم است، متذکر شویم که مطالب و اطلاعاتی که برای ما می فرستید در صورتی هم که در نشریه چاپ نشود، بدون شک به طرق مختلف مورد استفاده قرار خواهد

الف - تلاش و کوشش کارگران برای نفعی سرمایه داری وابسته و قطع سلطه امپریالیسم که عمدتاً با اخراج سرمایه دار وابسته از کارخانه شروع و با طی مراحل به صادره و ملی نمودن سرمایه او ختم می شود. ولی نه آن گزارش کاشی سدی است در مجاهد شماره ۱۹ و با کتشی وین در شماره ۱۸ و شرکت استکو در شماره ۱۷.

ب - مبارزه جهت ایجاد تشکلات کارگری که دربار آن شورا و اتحادیه شوراها قرار دارد و با مقابله با تشکلات فرمایشی که توسط کارفرمایان ایجاد شده، نمونه آن

آن صورت گرفته، نحوه برگزاری انتخابات و درجه واقعی بودن منتخبین، حدود اختیاراتی که دارند رابطه و برخورد آن با مدیریت، برنامه های که در دست اقدام دارند.

۴- گزارش باید حول چه محورهایی دسته بندی شود

پس از تساهلی ستر با کارخانه ویا محل کارگری که می خواهیم از آنجا گزارش تهیه کنیم و بدست آوردن اطلاعات و اخبار لازم، آنها را با رعایت نکات زیر دسته بندی و مرتب

۶- تغییرات وجود آمد بعد از قیام

الف - تغییرات صنفی - سیاسی ۱- وضع مالکیت کارخانه و وضع کار فرما و اینکه اکنون هم حضور دارد یا فراری و دستگیر گردیده و رابطه با مقامات دولتی در گذشته و در صورت کارفرمایان در شرایط حاضر، روابطش با سیستم فعلی چه می باشد؟ ۲- وجود کدام شورا - سندیکا و میزان قدرت آنها. ۳- تصرف عناصر مزدور (ساواکی و وابسته و...).

۴- امتیازات و حقوق حفای که پس از قیام بدست آوردند. ۵- وضع اداره حفاظت و نیروهای ویژه. ۶- برخورد مسئولین با کارفرما و کارگران.

ب - تغییرات فرهنگی و سیاسی ۱- ایجاد انجمن - کتابخانه - مسجد ... ۲- نفوذ احزاب و گروهها در کارخانه علت نفوذ آنها، روابط کارفرما و مسئولین کارخانه با احزاب، گروههای سیاسی - نظرات کارگران نسبت به مسئولین اجرائی (کمیتها) با سازمان وزارت کار و... ۳- تغییرات تشکلاتی - سیاسی تشکلات شورا یا سندیکا، فعالیتها و مبارزات آنها، کارکنانی که علیه

استفاده شود. مثلاً جمع شدن دم درب کارخانه هنگام اتمام کار کارگران و خارج شدن آنها از کارخانه برای رفتن به خانه هایمان و یا حتی سرزدن به خانه و یا فرار زدن در طول خیابان و... زیرا در هیچ شرایطی نباید تماس با کارگران محروم قطع گردد. اما بعد از ورود به کارخانه و برقرار کردن تماس فعال، ارتباط با شوری و با اقشار مختلف کارگران مخصوصاً محرومین آنها، دیدن محیط کار و... کمک زیادی به شناخت ما از کارخانه می کند. گلی ترین مسأله ای که در هر کارخانه با کارگاهی میبایستی در نظر گرفت عبارتست از:

۱- مشخصات کارخانه

الف - آدرس و محل کارخانه، سال تاسیس، توسعه و گسترش که کارخانه پس از تاسیس تاکنون داشته است سرمایه داران، سرمایه کنونی (تقریبی)، بخشهای مختلف کارخانه و تعداد کارکنان هر قسمت. ب - مالکیت کارخانه (خصوصی دولتی، وابسته، شرکتی). ج - طرز تهیه مواد اولیه (از خارج یا داخل) و مشخص کردن میزان بچهدگی ابزار تولید و وابستگی که به خارج دارند. میزان مواتز بودن تولید. د - شکل فروش محصولات (با چند واسطه بدست مصرف کننده می رسد؟) تعیین قیمت که اجناس در این جریان پیدا می کنند. ه - شرایط کار، سختی کار (کنار کوره و دستگاههای حرارتی، بلند کردن ابزار سنگین، امکان قطع شدن دست و غمزه) و مسائل حفاظتی و بهداشتی (دستکش و کفش ایمنی، تهویه و...).

بهبه است یک گزارش واقع بینانه از وضعیت شرکت نفت می توانست نیروی تازه ای را در کالبد انقلاب خلق بدست دهد. در واقع این نمونه صدها نمونه دیگر از تاثیرات شکر کارگران در ارتقا، جنبش خلق، با دیگر اهمیت نقش تاریخی آنان است.

اعتقاد به نقش تاریخی ویژه ای که کارگران در پیشبرد انقلاب ضد امپریالیسمی و لستی و استثمار آن در جهت نفعی امتیاز دارند از یکطرف، و رسالت عظیم کارگران در برقراری پیوند ضروری اجزا و بخشهای مختلف جنبش سراسری ضد امپریالیستی از طرف دیگر ما را بر آن داشته تا در این شماره و سولات و درخواستهای مکرر، مبنی بر ارائه یک طرح تهیه گزارش کارگری باشد که بدین جهت تهیه گردید.

۲- قشر بندی کارکنان کارخانه

الف - کارگران ساده: تعداد کارگران (زن و مرد)، روستائی، شهری، خارجی بودن کارگران، میزان سواد آگاهی، بهیاتی یا رسمی بودن کارگران و روابط با کارفرما، مهندسین، کارمندان و میزان نفوذات کارفرما و مهندسین در نزد آنها، سهولت اخراج کارگران. ب - سایر کارکنان: در مورد سایر کارکنان (مخمسین، نیمه متخصص، کارشناسان خارجی، کارمندان دفتری) حقوق و مزایای خاص و نقش آنها در تولید، نقش پلیسی که بعضاً در کارخانه دارند، روابطی که با کارگران و کارفرما دارند.

۳- مسائل رفاهی کارگران و کارمندان

در این مورد حق اولاد، مسکن، بازنشستگی، سود ویژه، سروس، تعاونی و سالن نهارخوری و... لازم است مشخص گردد.

۴- شیوه ای که کارفرما برای بالا بردن تولید بکار می برد

استفاده از زور بطور مستقیم یا غیر مستقیم، شیوه فداکنندگی از طریق دادن پاداش و جایزه و... ۵- مبارزات کارگران

الف - سابقه مبارزات صنفی - سیاسی کارگران بطور خود بخودی به کمک سندیکاها که تا نمانده کارگران. ب - نکات ها و پیروزی های که تا کنون داشته اند. ج - میزان فساد بودن کارگران در جریان قیام های اخیر، تا پیروزی قیام ضد دیکتاتوری و بعد از آن.

تما سر و شنفکارانقلابی با توده های محروم هرگز نباید گسسته شود، زیرا بدون شناخت واقعی رده های طبقات محروم مبارزه امکان پذیر نیست

گرفت. همچنین بایستی یادآور شویم در صورتیکه خواهران و برادران همراهِ ما با گزارشات خود امکان ارتباط را از طریق آدرس دقیق با تلفن مشخص نمایند، در اغلب موارد بسیار شمر تبختر تر خواهد بود.

گرفت. همچنین بایستی یادآور شویم در صورتیکه خواهران و برادران همراهِ ما با گزارشات خود امکان ارتباط را از طریق آدرس دقیق با تلفن مشخص نمایند، در اغلب موارد بسیار شمر تبختر تر خواهد بود.

می کنیم، بر همین اساس گزارشی که در ارتباط با کارگران و مشکلات آنها تهیه می گردد، با توجه به واقفیات و جریاناتی که در کارخانه ها و در میان کارگران می گذرد، می تواند حول سه محور اصلی زیر باشد:

اتحادیه شوراهای پیروزی مبارزات سیاسی - صنفی کارگران (۶)

اتحادیه های صنفی و اتحادیه های سیاسی - صنفی

مبارزه ضد امپریالیستی مجین گردد. در یک کشور عقب نگذاشته شده که از نظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به امپریالیسم وابسته است صحبت از مبارزه اقتصادی صرف یک حرف بوج و بی اساس است. در اینجا ماهیت همه حرکتها به سمت سیاسی شدن میل میکند. اصولاً هر مبارزه اقتصادی در این کشورها الزاماً بار سیاسی خود می کند. هر شریک جامعه انقلابی خودمان ما شاهد نمونه های بسیاری از این نوع هستیم.

روز با سرمایه داران چک و چانه میزنند چونکه میتوان از اتحادیه گزارشی و اتحادیه صنفی دفاع کرد در حالی که این اتحادیه ها مکمل سرمایه داری هستند و به آن اعتبار میدهند. این اتحادیه ها نظام سرمایه داری را تهنید میکنند، بلکه در درون آن با حفظ موجودیت آن برای کسب شریک های بهتر سرمایه مکتفند. البته باید توجه کرد که مبارزه طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار یا اصولاً مبارزه هر طبقه ای با طبقه دیگر بطور اجتناب ناپذیری به یک مبارزه سیاسی منجر خواهد شد. چرا که ایجاد شرایط صنفی و ذهنی مناسب (و ششما رشد تعدادهای طبقاتی) الزاماً مبارزه طبقات تحت ستم در سمر نابودی نظام حاکم هدایت خواهد شد. از این جهت تحقق خواسته های اقتصادی از طریق مبارزه سیاسی مانگند بر اساس اتحادیه ها از این وضعیت فرار میکند و میخواهند همه مسائل را در چهارچوب مبارزات اقتصادی و صنفی حل نمایند. حال آنکه تنها با حاکمیت سیاسی یک طبقه است که میتوان باسدار دستاوردهای اقتصادی - اجتماعی مبارزه آن طبقه بود. پس صرف تکیه به یک مبارزه صنفی تنها میتواند به دادن امتیازات کوچکی از جانب سرمایه داران به کارگران منجر شود؛ تا اینکه مبارزه کارگران را در جهت نابودی نظام سرمایه داری پیش ببرد.

بردن نهایی سرمایه داری بودند. اتحادیه ها و تشکلهای کارگران کارگری ادعای متفاوت دارند. ولی عملاً غیر انتلاسی و مایل بازدارندگی در سمر رشد جریانهای اصیل کارگری بوده اند. وقتی ما صحبت از اتحادیه می کنیم، نظرگاههای کارگونی در مورد آن وجود دارد: این نظرگاهها بطور عمده با اتحادیه ها یا صنفی دیدند و با صنفی - سیاسی. در این قسمت ما به بررسی نظریاتی که اتحادیه های صنفی را مطرح میکنند می پردازیم. تروندینتها یا سندیکالیستها (اتحادیه ها) در دست راست مجموعه تکراری هستند که به این شیوه می اندیشند. آنها معتقدند که در چهارچوب نظام سرمایه داری اتحادیه ها باید برسد که کسب حقوق صنفی طبقه کارگر از قبیل دستمزد و مزایا بپردازند. این جریان نژده به مبارزه طبقاتی اعتقاد نداشته و با همکاری و همیگی طبقات (همزستی طبقات) را شعار و هدف خود قرار میدهند. سود این نظر تکر در انگلیس بود. اغلب اتحادیه های انگلیسی این طرز فکر را داشته و دارند. جریانات رفربستی و اصلاح طلب دیگری هم هستند که در چهارچوب تکریتان همان اتحادیه های صنفی یا صنفی (باصطلاح) سوسیالیست از این نونه اند.

سرمایه داری لیبرال مدافع مبارزه صرفاً اقتصادی کارگران

در طول مبارزات کارگری، سرمایه داران لیبرال پوسته شعار مبارزه اقتصادی برای کارگران، مبارزه سیاسی برای لیبرالها را سر میدهند، چرا که خوب میدانند که مبارزه صرفاً صنفی و اقتصادی هر چند در کوتاه مدت فشارهایی به سرمایه داری وارد میکند ولی عمر طولانی تر را برای سیستم سرمایه داری تضمین میکند. همچنانکه سرمایه داری منجر شود؛ تا اینکه مبارزه کارگران را در جهت نابودی نظام سرمایه داری پیش ببرد.

مبارزات کارگران لزوماً جهت سیاسی پیدا می کند

انتخابهای کارگری با شرکت توده های کارگر بطور محسوس از سیستمتهای اقتصادی به موع گیری های سیاسی تبدیل میشود. مبارزات اقتصادی کارگران را نمیتوان بطور صد در صد از هم جدا کرد. عامل سیاسی و اقتصادی در مبارزات کارگران دو جنبه درهم پیچیده مبارزات اقتصادی را تشکیل میدهند. بنابراین اتحادیه های که در واقعیت طمس او زیر پا میکنند، ضرورت مبارزه صنفی - سیاسی اتحادیه ها وقتی طمس تر و اجتناب ناپذیرتر میگردد که مبارزه طبقاتی با

جهت سیاسی پیدا می کند

ملا مطلقاً اینکه اتحادیه های صنفی با اعتیاضات خود میتوانند حق انحصاری کارفرما را در مورد دستمزد مورد تهدید قرار دهند ولی هیچ موقع قادر به تأمین حقوق و مزد واقعی کارگران نخواهند بود.

نمونه بارز آن اتحادیه های صنفی از انگلستان است که با وجود داشتن یکی از گسترده ترین تشکلات کارگری نه تنها هیچگونه نظارتی بر تولید و فروش ندارند بلکه در مورد دستمزد و مسائل جزئی تر مثل مزایای کارگری هر

در مقابل لیبرالها، کارگران از شورا که خطی حاکمیت سیاسی و صنفی نشان دادند دفاع میکنند. در سیستم ارائه خود روزروزی لیبرال حاکمیت سیاسی از آن روزروهاست همانطور که بعد از انقلاب سهم عمده آنان را در حکومت شاهد بودیم. حال آنکه شورا این حاکمیت را به کارگران میدهد تا باسدار ثرات حرکتها ی کارگران و نافع آنها باشد. بر همین اساس اگر حاکمیت سیاسی در دست لیبرالها باشد نباید انتظار داشته باشیم که همین دستاوردهای شت فعلی نیز ادامه یابد.

جهت سیاسی پیدا می کند

انتخابهای کارگری با شرکت توده های کارگر بطور محسوس از سیستمتهای اقتصادی به موع گیری های سیاسی تبدیل میشود. مبارزات اقتصادی کارگران را نمیتوان بطور صد در صد از هم جدا کرد. عامل سیاسی و اقتصادی در مبارزات کارگران دو جنبه درهم پیچیده مبارزات اقتصادی را تشکیل میدهند. بنابراین اتحادیه های که در واقعیت طمس او زیر پا میکنند، ضرورت مبارزه صنفی - سیاسی اتحادیه ها وقتی طمس تر و اجتناب ناپذیرتر میگردد که مبارزه طبقاتی با

ملا مطلقاً اینکه اتحادیه های صنفی با اعتیاضات خود میتوانند حق انحصاری کارفرما را در مورد دستمزد مورد تهدید قرار دهند ولی هیچ موقع قادر به تأمین حقوق و مزد واقعی کارگران نخواهند بود.

گزارشی از سیل در استان خوزستان



خوهران و سرداران، شب هنگام، بیگم مردم سیل زده شاتافه اند

هفته گذشته سیل بخش بزرگی از سپهر مارا فراگرفت و بر جای گذاشتن تعدادی کشته و مجروح بخش انبوهی از هموطنان ما را نیز، بی‌خبران نمود. حصول امیرالسیم و انامی غارنکر آن از مینما، آنقدر این مناطق را غرق نگاهداشته که با توجه به فقر مردم و عدم استحکام شهر و خانه‌های ویرانی سل یک امر طبیعی می‌نماید. هر چند تا این میزان امیرالسیمیا باقیست، مردم محروم ما نیز در مقابل این حوادث هست و نیستان را از دست می‌دهند اما آنچه که مهم است نحوه مقابله انفرادی با این مشکلات است که خود در متنی از سارزه ضدامیراب-لستی نودها انجام می‌گیرد. به

دربین روزها و شبهای تلاش و نودوستی آنچه بر شوک بود، کف و تعاون مادانه مردم بخصوص جوانان به خلق مصیبت‌زدستان بود آنچه زشت و نشت آنکس، انحصارطلبی و پارهای جناح‌ها و گروه‌های مرتجع بود که حتی در تقسیم امکانات و کمک به مردم رنجیده، انهم در آن لحظات نیز، دست از این خصلت ردیناله خود بر نمی‌داشتند. آنها با عملکردهای ارتجاعی‌شان نشان‌دهنده آن‌که در مواقع اعمال انحصار-طلبی‌هایشان و رسیدن به مقاصد فردیشان بر کمک به مردم رنجیده کاملاً اولویت دارد. و در مقابل مردم ما نیز با اعتقاد مطلقان به نیروهای انقلابی و مشارکت‌های بی‌پایان، چه خود منت مکنی بر دهان مرتجعین می‌زنند. ولی آیا آنان بر جای خود می‌نشینند؟

بسیاری مناطق، جلو رفتن برادران و خوهران ما را برای کمک، گرفتن باین‌بانه که کمکا فقط باید از کالاهای ضروری صورت گیرد و لاغیر. در خوشبختی ما ۲-۱ دور ساد بچه‌ها حلقه می‌زنند که در باطن‌ها را جمع کند و کار همیشگی آنها- بردن به کینه گرفته... که آخر سر یکی از برادران فریاد می‌زنند: مردم گرسنه‌اند چرا اذیت می‌کنند؟

در اهواز به‌بانه اینکه کمکهای ارسانی به ما را نشا تصاحب کرده‌اند به ساد بچه‌ها هجوم می‌آورد. انحصارطلبان آنگاه قاطبی را که نیروی دریاها در اختیار ساد آنها قرار داده بود، بهانه قرار داده و درگیری آغاز می‌کنند و این پایان کار نیست. شیانه داستان تکرار چنان بدستان و فالانها آغاز میشود. تعدادی اندک از آنها با حمله به محل انجمن دانش-جویان سلمان دانشگاه اهواز، شسته-طرفی کمک و اعتقاد مردم به این ساد ها و کمکهای ارسانی از مرکز امداد مجاهدین در تهران، جبران بریلثنی ها و انحصارطلبی‌های برخی جناح‌ها را می‌نمود. ساد کککراسنی انواع آذوقه از قبیل آرد و برنج و مواد خوراکی و یا وسایل نظیر: پتو، لباس سرد و غیره برای مردم تریز توزیع میکرد. همینجور برای سالم نگهدار کارخانجات، خانه‌ها و احشام از سیل اقدام می‌نمود. خوهران و برادران، با ابتکارات از آرد نانول و بریون می‌ریختند، ابتکار با پیمهای مکده ها کندن جویهای باریک و با سایر وسائل انجام می‌گرفت. آنها با ایجاد چندین سد سعی در انحراف آب از مسیر خانهای سگونی نمودند. با صد ها گونی شن و ماسه چندین سیل برگردان در مناطق حساس درست کردند. سقف بسیاری از خانه‌ها را برای عدم نفوذ آب با نایلون می‌پوشانیدند. کفهای برخی منازل را تعمیر نمودند. برای مامها نانودانی نصب کردند. چندین بل تعمیر نمودند. بهرام روستائیان برای احشام گرسنه علوفه چیدند.

یکی از مهمترین کار بچه‌ها، ارتداد و راهشانی سلیزندگان سارسیمه بودند. به موارز اینها تمیهای امداد پزشکی برادران و خوهران، با کمک پزشکان مردمی منطقه به باری آسیب دیدگان و مجروح‌ها و بیماران به حرکت در آمدند.

در گنبد چه گذشت؟

هفته گذشته فاجعهای دیگر در گنبد قلب هزاران ایرانی را جرحه‌مدار ساخت. آنچه در زیر میخوانید گزارشی کوهایی است از وقایع اخیر این منطقه البته تجزیه و تحلیل آن در وقت سلطرم بررسی ریشه‌ها و حیوانت مختلف آنست لکن در این مختصر صرفا جریان واقع گزارشی شده و در همین رابطه به‌گفته مقامات رسمی نیز استناد شده‌است تا مردم هم در این زمینه به قضاوت بنشینند.

چرکهای فدائی و کانون فرهنگی سیاسی، خلق ترکمن را از پیش برای مراسم سالگرد جریان سایه‌گل آماده می‌کردند و سپهر سطر از مقامات ستول نیز برای راهپیمایی و مراسم کسب‌احرار می‌کنند.

۱۸ بهمن از طرف سپاه پاسداران و دادستان انقلاب اعلامیه‌ای بخش می‌نمود و در آن کلیه سلمانان خواست می‌نمود تا راهپیمایی‌ها را خنثی کنند. در ضمن از شب حادثه کلیه راهپیمای یورودی به یکصد تنگتر سپاه قرار گرفته و حتی ماشین‌ها را کنترل می‌نمایند. روز مراسم - همانا با راهپیمایی خلق ترکمن، حدود ۳۰۰۰ نفر احتجاج کرده زرمه حمله به راه-پیمایان را داشتند. فرمانداری چون ساله حمله ۳۰۰ نفر را حدی می‌بینند و کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن تماسی گرفتند از آنها سخواهد سسر راهپیمایان را تغییر دهند که آنها نیز قبول می‌کنند. ولی در حال آن دور تحریکاتی روی راهپیمایی انجام می‌گرفت

۱۸ بهمن از طرف سپاه پاسداران و دادستان انقلاب اعلامیه‌ای بخش می‌نمود و در آن کلیه سلمانان خواست می‌نمود تا راهپیمایی‌ها را خنثی کنند. در ضمن از شب حادثه کلیه راهپیمای یورودی به یکصد تنگتر سپاه قرار گرفته و حتی ماشین‌ها را کنترل می‌نمایند.

روز مراسم - همانا با راهپیمایی خلق ترکمن، حدود ۳۰۰۰ نفر احتجاج کرده زرمه حمله به راه-پیمایان را داشتند. فرمانداری چون ساله حمله ۳۰۰ نفر را حدی می‌بینند و کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن تماسی گرفتند از آنها سخواهد سسر راهپیمایان را تغییر دهند که آنها نیز قبول می‌کنند. ولی در حال آن دور تحریکاتی روی راهپیمایی انجام می‌گرفت

یاد شهدای به خون خفته خلق، خسرو گل‌سرخ و کرامت الله دانشیان گرامی باد

۶ سال پیش در اواخر بهمن ماه، دو تن دیگر از فرزندان دانش خلق خسرو گل‌سرخ و کرامت الله دانشیان بخاطر دفاع از آرمان توده‌های ستمدیده، پس از تحمل ماهها شکنجه در یک دادگاه فرمایشی محاکمه و بدست مزدوران شاه شهادت رسانیدند. در میان انقلابیون شهید ایران مددجویی از قهرمانان و پهلپهرهای پاک‌اخه‌استند که پیش از سایرین در قلب و فسر مردم ما جای گرفتند. خسرو گل‌سرخ یکی از آن‌هاست. شاید بر برخورد دشمنان اینطور نظر برسد که رژیم شاه در مورد آنها (ویر علمیان) پیش از بقیه تعلیقات براه انداخت؛ ولی این طلب هرگز نینویسند دللی بر این‌ها را نماند. چرا که خانیشی هم بودند که رژیم با تمام قوا سعی نمود آنها را مطرح کند. لیکن و همگی از جانب مردم دست رد به سینه‌شان خورد، لذا خیلی رود از خاطره‌ها محو گردیدند.

راستی چرا گل‌سرخ در دل خلق ما جاودانه شد و اینبمه درود و متنی ننشاند؟

مگر نه این بود که رژیم خونخوار پهلوی اسلام این خیمه شببازی را تحت عنوان "دادگاه" تشکیل داده بود تا با نمایش تسلیم طلبی چند روشنگر عود فروخته که برای نجات جان خنجر خود زخمی را نطق می‌کنند، چهبره مقام انقلابیون راستین را بی‌یالاد و آنها را نزد مردم عامری "تادم" و "فیب‌النفس" و "افعال شده" ... جلوه دهد؟ مگر نه این بود که میریابان ناشیانه نام و قبح‌ترن تشبیه‌ها و برجسها را چه از دهان دادستان و رئیس دادگاه و چه از زبان برخی بنشینان فروماه‌علیه نیروهای انقلابی عنوان ساختند و از هیچ دروغی هم

مکند. در گزارشی میگوید سیمای ارتش حلاّت روسی را علیه دشمن نشانک دیده‌اند و هم‌اکنون سپاه و ارتش بوقی ده‌اندن کلیه سگهای دشمن را سراسر کنند.

مصنف استاندارد مازندران میگوید تمام مدارک و شواهد نشان میدهد که افراد ساد ترکمن مشکل‌ساز منطقه بوده‌اند. او میگوید آنها ضمن سرپیچی از نظام حاکم و دولت مجری برای هر برنامهای که دولت سخواست می‌نمودند، در منطقه پیاده کند از جمله تقسیم زمین‌های زراعی بین کشاورزان و اضافه می‌کنند که با مدارکی که بدست آمده این افراد فقط ضد اسلامند.

در عین حال وقتی ملی معاصه‌های کته دولت از بدو انقلاب می‌شود کوچکترین اقدام بوتری برای حل ساله زمین در منطقه نداشتند و راه حل اساسی را در تقسیم عادلانه زمین بین مستحقان نماندند. گروه فرهنگی جهاد سازندگی کند و حومه (دانشجویان امیرابی) طی اطلاعیه شماره یک خود بتاريخ ۱۱/۲۳ می‌نویسد: زد و خورد‌های اخیر گنبد توسط فئودالها و عوامل آنها رهبری شد. ساله بدینال طرحهای اخیر وزارت کشاورزی بوجود آمد و فئودالها زیاد می‌هم زخمی از طرفین بجای نگاروی افتاده و برای شوق کردن کورن کلانپو اتحادیه‌ای تشکیل کردند. این عده‌ای از افراد امیدی و از هم‌ها بی‌خبر را بدینال خود بسیج کرده و به تظاهرات ساد خلق خلق ترکمن حمله می‌کنند تا علا زرمه در کوریه‌ها را بوجود آورند ...

هیچکس نتواند آنها را بی و انگار کند! کفر بورژوازی، هرکس با آن درازند خودشان نابود می‌شود. رژیم‌های باطل ارتجاعی چه بخواهند چه نتوانند، علق و تفارکی در نظامی راه راه او یک واقیت محض است، هیچ چیز نتواند در مقابل آن فد علم کند! حتی اگر چارچوب فلسفی هم نتواند این تفارکی و جناسی در راه خلق را تسنیم کند، از چارچوب هر می‌کنند و واقیت خود او را به آن تسنیم خواهد کرد. همانگونه که حسین (ع) و حمله عالموزا نیز خفیت است و هیچکس نتواند آن را نادیده بگیرد کما اینکه گل‌سرخ شهید در همان‌جمله بیدادگاه گفت: زندگی ما حسن نمودار زندگی گونتی مستحکم جان بر کف برای غلبهای ماروم سهین خود در این دادگاه محکمه ستریم. او در اقلیت بود و بزرگ بارگاه، قتون، حکومت و قدرت داشت، او ایستاد و شکست شد، در هشتاد و نوزده گزشتا تاریخ را اشغال کرد ولی آنچه کفدر تادم تاریخ تکرار شد راه ما حسن و پایداری او بود نه حکومت زبید. آنچه ما غلبها تکرار کردند و می‌کنند، راه حسن است...

بله! مردم هم او را بخاطر حق‌طلبی و مقاومت‌تیرانه‌اش تسنودند. آخر او ملوم آرمه‌ه تهدید و شکنجه و تطبیع، هرگز در برابر درگاه آرماسهر سر تسلیم فرود نیاورد و برگ انقلابی را بر تنگ تسلیم ترجیح داد.

همینانکه دانشیان شهید پیش یک لحظه هم حاضر نشد به متابع خلق پشت کند و مجیز قدرت نامبرش را بگیرد، او با شجاعت نامبرش آن بیدادگاه زرمه را به محاکمه‌شدن و منجمله گفت: "در بیدادگاه اول بنا به شرایط فاشیستی حاکم بر آن دفاع مرا ناتمام شنیدید. همینین دفاع دوست فاشیستی حاکم بر آن، دوستم گل‌سرخ را ... اما من ندادم، تحت ذبح از حقوق توده‌های فقیر و حجت شتم و حمله به سد انقلاب و دشمنان قسم خورده مردم، چیز دیگری نیست. اگر وحشی از نیروهای انقلابی و مبارزات مردم‌نارید و در واقع به ساد طبقه حاکم بر ایران موس می‌کنند، تاریخ این واقیت را نشان خواهد داد. ایمان ما به پیروزی جنین نوین ایران و سراسر جوامع فطیاتی جهان، مهم‌ترین قدرت است ...

این داستان واقعی سارزه حق و باطل است. سارزه تاریخی بی‌سبب و طولانی که سرانجام در روی همه ابرهای تیره و تاری، خورشید خواهد درخشید. خلق پیروز می‌شود، شعار از چهبره حامیان واقعی‌اش خواهد بود. چرا که ضد خلق و ارتجاع را در این جهان هیچ ریشه و فراری نیست. پیروزی از آن نیروهای خلقی و انقلابی است. این را تاریخ میگوید، این را شیدا و قهرمانان خلق گفته و آنها حقیقت را می‌گویند...

صورت وضعیت کار و سائط نقلیه ساد از تاریخ ۱۱/۲۳ الی ۱۱/۲۵

تاریخ	نوع وسیله	تعداد	تعداد مأمورین آنها در مجموع
۱۱/۲۳	ساری	۴۵ دستگاه	۲۸۰
۱۱/۲۳	کامیون	۴ دستگاه	۴
۱۱/۲۳	موتور و دوچرخه	۵ دستگاه	بظور مستمر
۱۱/۲۴	سواری و وانت	۲۵ دستگاه	۳۵۰
۱۱/۲۴	کمپرسی	۵ دستگاه	۹
۱۱/۲۴	موتورسیکلت	۳ دستگاه	بظور مستمر
۱۱/۲۵	سواری و وانت	۴۳ دستگاه	۵۵۹
۱۱/۲۵	کمپرسی	۱ دستگاه	۱
۱۱/۲۵	کامیون و کمپرسی	۹ دستگاه	۲۴
۱۱/۲۵	لودر	۱ دستگاه	نصف روز خوشهر
۱۱/۲۵			شش‌نصاع آبادان

لیست نام چیز کمکهای مجاهدین خلق ایران

لیست کمکهایی که از تاریخ ۱۱/۲۳ تا آخر وقت ۱۱/۲۵ توسط ساد کککراسنی مجاهدین خلق شاخه آبادان بین سلیزندگان توزیع شده است: ****

نام مواد	مقدار	مقدار
لباس	۳۷۵۰۰	ملافه
زلیو و گلیم	۲۴۷	حوله
کفش	۲۵۶۵	تنگ
چادر زنانه	۳۴۹	نایلون
چادر	۲۴۰۰	متر
بیسکویت	۲۴	چراغ گاز
شیر خشک	۲۷۵	برققال
نارنج	۴۰	هیزم
برنج	۱۳۱۰	آذوقه
چای	۹۰	سگار
گونی	۵۰۰۰	حلوا
پتو	۲۵	تنگ
آرد	۸۵۵	بوردر
حیوانات	۳۴۰	کندم
قند	۲۲۰	مربا
خواربار	۲۴۰	کوشک
چراغ قوه	۳۰۰۰	ظرف نفت
دارو	۲۰	تنگر
پنیر	۱۱۰	نفت
خرما	۱۷۱	روغن
کبریت	۲۴۰	پناز و سبب زمینی
غذاهای متفرقه	۳۰	چراغ و بخاری
		عدد

نگاهی بر حرکت و تحسن اخیر در جهداران

می‌آیند. بر دل هم می‌نشینند: "دل غلغلی شکتد. کلاه سبز خوش آمد." طرف مقابل هم با شعار "درد بر برادر هوائی" ساختن اعلام میکند و لوز در می‌آورد. با پوستن پرسول پاکه انقلاب دیگر در مسجد جامی باقی نمانده است. همه یکصد بر علیه فرماندهان شعار سر میدهند. در اعلامیه دومین روز تحمن نیز آمده است که عناصری در ارتش شوراهای را که دستاورد قیام خونین مردم و پرسول ارتش بود، از او بار پشیمانند و شد اطلاعات را درباره مزایمان دادند. نماینده ما را با یک تصادف ساختگی در تاریخ ۱۱/۱۰/۷۱ در چهارراه صدق دستگیر کرده‌اند. اینجا هم بار دیگر

را در اذهان ندای می‌کند. با مشاهده این حرکت، خوب بود این سوازل نیز مطرح میشود که چاهنگزهای درجهداران را به خرابی‌شان کشند و چه ماملی آنها را به تحمن داشته است؟ این سوال علی بن ابی طالب را برآورد. که نتیجه آن: "مردم بپوشی باشند" را در گزارش زیر می‌خواند:

راهپیمائی کلاه سبزه

روز ۱۶ شنه ۱۶ سپن، هم مردم در خیابانها با صحنه تازه و تاحدودی شگفت‌انگیز روبرو میشوند. حدود ۵۰۰ نفر از درجهداران کلاه سبز حالی که فریاد میکنند: "مردم بپوشی باشند" در گردن مزدور در فکر کوتایند. راهی سوارخانه آمریکا میگردند. جلوی سالت فرادها نشنن عالی پیدا کرده‌اند. شعار "دانشجوی خط افشمان کمال آنها از این امر است که برخی فرماندهان موجود بورژوازی نظری در لانه جاسوسی دارند. کوی امیرالشم برای آنها جسم عینی بافتمت. پس از اعلام پشتیبانی از طرف دانشجویان سلمان سرو خط امام، یکی از درجهداران قطعنامه راهپیمائی را فراتر می‌کند و جمعیت با همان قطعنامه پیشنن حاضر میگردند. در این قطعنامه ضمن اعلام پشتیبانی قاطع از امام و ریاست جمهوری بنی صدر، به اخراج نمایندگان پرسول اعتراض شده و برای جلوگیری از اینکه نوشته‌ها خواهان تشبیه شوراهای ارتش و ایجاد ارتش توحیدی شده است. در تمام اینست درجهداران، کلاه خوسته‌های خود را بر مردم در میان میگذازند و قطعنامه خود را به شنه ماشینها میچسبانند. فرادی آسرو خوسته‌های درجهداران، سپهه آسرو از راهپیمائی آنها در روزنامه نمکن میگردند.

مصاحبه با یکی از درجهداران متحمن در دانشگاه



کلاه سبزه در مقابل لانه جاسوسی آمریکا آنها. با شعارهای خود مردم را از نوشته‌های فرماندهان مزدور ارتش ۸۵ می‌کنند

ضمیمه نامه‌های درجهداران از ارتش ۸۵ می‌کنند. از روزهای گذشته یاد می‌کند. که چگونه قبل از انقلاب به اتفاق ۲۰ نفر دیگر بجزم تعلق از نیراندازی بسوی مردم در همین محله‌زندان و در دادگاه نظای خاطر تعلق از ماموق سکوم به اعدام میشود. ولی قبل از اجرای حکم، مهران با قیام مردم از زندان آزاد میشود. سپس تاکید میکند: "خوسته با اضافه حقوق نیست و اگر لازم باشد کم فروشی می‌کشم ولی حاضر نیستم بسوی مردم نیراندازی کنم" پس از آن قطعنامه فراتر می‌رود که در آن بار دیگر ضمن آرزوی سلاستی برای امام و پشتیبانی از ریاست جمهوری بنی صدر و تأیید تمغه ۱۲۵ فرمانده طاقوی، خوستار آزادی نمایندگان خود و تشکیل شوراهای انجام عمل تصفه توسط آنان شدند. در خانه عمل مذاکرات فراوان درجهداران ۲۴ ساعت برای آزادی و بازگشت نمایندگان خود مهلت میدهند. فاجع میشود که تصیم دارند درجهداران را پس از پایان راهپیمائی دستگیر کنند و بهمین جهت، دست بردارند.

پرسول انقلابی در مسجد دانشگاه متحمن میشوند.

روز سه شنبه درجهداران مجدداً به بیرون سرازیر میشوند، منتهی این بار بقصد تحمن در مسجد دانشگاه تهران. در طول مسیر انتظامات راهپیمائی و هدایت فرادها ماموق با بلندگو شعارها را پیش می‌کند. به سخن استوار در دانشگاه قطعنامهی فراتر می‌رود که در آن ضمن پشتیبانی مجدد از امام و ریاست جمهوری بنی صدر تصفه عناصر طاقوی و شد اطلاعاتی و اجرای طرح توحیدی و برقراری شوراهای خوستار می‌شود و اعلام میگردد که زمانی که نمایندگان درینست از جمع آنها حاضر نشوند به تحمن خود ادامه خواهند داد. وجود بازگذاشته شدن پنجره‌ها در غذا و سیر سرد، هم به ابرو می‌آوردند و تحمن خود ادامه میدهند. روز اول با سخنرانیها و بحثها و شعارها سیری میگردند.

راهپیمائی آبی پوشهای نیروی هوائی

روز شنه ۱۹ سپن، پیش از هزار نفر از درجهداران لباس آبی نیروی هوائی از پاکه یکم میریاد. به بیرون سرازیر میشوند. برای مردم خاطرهای سال قتل و حاصم‌های پرسول دلبر شوروی توحیدی میشود. یعنی با تصفه به یکدیگر میگردند. یکی گفتندی قربانی می‌کند و دیگری در حالی که دست فرزندش در دست دارد، با شگفتی میبندد: مگر هنوز شمشیرها و امراض طاقوی در ارتش باقی مانده‌اند؟ درجهدار با کلاه آبی که در آن درد و تأف کلاه چشم می‌خورند، پاسخ میدهند: "آری برادر، هنوز آنها در محضر دارند. در انوره جمعیت به ست یادگان اهرتی آجا به اتفاق فرزندانی "نومده" به راهپیمائی خود ادامه میدهند. درجهداران در حالی که عکس های زیادی از یکی از نمایندگان دستگیر شده خود بنام استوار احمد شکر در دست دارند، یکصد فریاد میزنند: حتماً باید دردی بیشتری باشد که آنها این چنین بیهوش میگردند است. کلاه سبزه چند چهارراه جلوتر را را برای راهپیمائی که به ست دانشگاه حرکت باز میکنند. نزدیکی دانشگاه همه شعار میدهند: "دانشگاه، دانشگاه سگر انقلاب است". درجه دار با زوری انقلاب دست. داخل دانشگاه، یکی از پرسول در حالی که بقه نشسته‌اند صحت می‌کند: "نمایندم‌های ما گرفتند. دستان ما به هیچ کار نمی‌رسد. اگر صحت کنیم ما را می‌گیرند، همانطور که شکر را گرفتند ولی ما باید اعتراض کنیم. ما به هیچگاه وابسته نیستم، اما ارتش سگرتکرم نمی‌خواهم...". چند طلی کوپتر و هواپیمای از فاضلهای نزدیک میگردند. صداهای گم می‌شود درجهدارها بهی می‌گریزند و دوباره فریاد می‌زنند: "ای شکر ای مایم، برآمدت، از کنج زندان ساریم راهت، فریادمان مزدور باید بداند، الله اکبر، عسینی رهبر و...".

دانشگاه متحمن میشوند.

روز سه شنبه درجهداران مجدداً به بیرون سرازیر میشوند، منتهی این بار بقصد تحمن در مسجد دانشگاه تهران. در طول مسیر انتظامات راهپیمائی و هدایت فرادها ماموق با بلندگو شعارها را پیش می‌کند. به سخن استوار در دانشگاه قطعنامهی فراتر می‌رود که در آن ضمن پشتیبانی مجدد از امام و ریاست جمهوری بنی صدر تصفه عناصر طاقوی و شد اطلاعاتی و اجرای طرح توحیدی و برقراری شوراهای خوستار می‌شود و اعلام میگردد که زمانی که نمایندگان درینست از جمع آنها حاضر نشوند به تحمن خود ادامه خواهند داد. وجود بازگذاشته شدن پنجره‌ها در غذا و سیر سرد، هم به ابرو می‌آوردند و تحمن خود ادامه میدهند. روز اول با سخنرانیها و بحثها و شعارها سیری میگردند.

دانشگاه متحمن میشوند.

روز سه شنبه درجهداران مجدداً به بیرون سرازیر میشوند، منتهی این بار بقصد تحمن در مسجد دانشگاه تهران. در طول مسیر انتظامات راهپیمائی و هدایت فرادها ماموق با بلندگو شعارها را پیش می‌کند. به سخن استوار در دانشگاه قطعنامهی فراتر می‌رود که در آن ضمن پشتیبانی مجدد از امام و ریاست جمهوری بنی صدر تصفه عناصر طاقوی و شد اطلاعاتی و اجرای طرح توحیدی و برقراری شوراهای خوستار می‌شود و اعلام میگردد که زمانی که نمایندگان درینست از جمع آنها حاضر نشوند به تحمن خود ادامه خواهند داد. وجود بازگذاشته شدن پنجره‌ها در غذا و سیر سرد، هم به ابرو می‌آوردند و تحمن خود ادامه میدهند. روز اول با سخنرانیها و بحثها و شعارها سیری میگردند.

دانشگاه متحمن میشوند.

روز سه شنبه درجهداران مجدداً به بیرون سرازیر میشوند، منتهی این بار بقصد تحمن در مسجد دانشگاه تهران. در طول مسیر انتظامات راهپیمائی و هدایت فرادها ماموق با بلندگو شعارها را پیش می‌کند. به سخن استوار در دانشگاه قطعنامهی فراتر می‌رود که در آن ضمن پشتیبانی مجدد از امام و ریاست جمهوری بنی صدر تصفه عناصر طاقوی و شد اطلاعاتی و اجرای طرح توحیدی و برقراری شوراهای خوستار می‌شود و اعلام میگردد که زمانی که نمایندگان درینست از جمع آنها حاضر نشوند به تحمن خود ادامه خواهند داد. وجود بازگذاشته شدن پنجره‌ها در غذا و سیر سرد، هم به ابرو می‌آوردند و تحمن خود ادامه میدهند. روز اول با سخنرانیها و بحثها و شعارها سیری میگردند.

خوسته‌های درجهداران بود. از درب مسجد که وارد شدیم حال و هوای دیگری به انسان دست میداد. حرکت روزهای قبل جایش را به تحرک داده بود. درجهدارها با لباس رنگارنگ خود اینطرف و آنطرف دور هم جمع شده بودند. صحبت می‌کردند. کلاه سبزه در گورتهای جلله داشتند. در همانحال تعدادی هافای برای اعلام هستگی آمدند و... برای اعلام مساجه در محیطی آرام صورت گریبا یکی از درجهداران که از مسجد بیرون سرفت شروع به صحبت کردیم. در فضای باز دانشگاه در روی نیمیکی به سولات ما جواب داد. متن زیر حاصل این گفتگوست:

سوال: برادر خودتان را معرفی کنید؟

جواب: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

سوال: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

جواب: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

سوال: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

جواب: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

سوال: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

جواب: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

سوال: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

سوال: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

جواب: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

سوال: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

جواب: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

سوال: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

جواب: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

سوال: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

سوال: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

جواب: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

سوال: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

جواب: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

سوال: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

جواب: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

پخش نوار

تا مدتی فعالیتهايش تکتور و پختن اعلام بود تا اینکه تصیم گرفتیم نوار سخنان امام را که تازه از پاریس رسیده بود در پاکه پخش کنیم. اول حدود ۱۰۰ عدد از آنرا تکتور کردیم بعد هر کدام را نوبی یک پاکت گذاشتیم و روی آن نوشته: "مرگ بر شاه - درود بر خمینی" و موسیقی شهر موقع تظاهرات پخش کردیم.

سوال: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

جواب: من کیه نام ندارم درجه دار... از پاکه یکم شکاری شدیم و در دست... کار می‌کنم. خواهش می‌کنم اسم بر منویسید...

تحلیلی

برکنفرانس پاکستان و مسأله افغانستان

در شماره گذشته کنفرانس پاکستان و بی‌آمدهای آن را نوشته ایم...

آنچه مسلم است امریکایی‌ها و مرتجعین منطقه قصد دارند از مسأله افغانستان به‌منظور به‌انحراف کشاند...

برزیسکی به اتفاق وارن کریستوفر به پاکستان رفته و بعد از عرض تهنیت...

مقامات امریکایی و پاکستانی از نتایج این گفتگوها که در باره تغییرات استراتژیک منطقه دنبال مداخله...

واما مسأله شوروی و افغانستان

گفتیم که هرگونه همدمی ایران را با مرتجعین منطقه تحت هر عنوان در منطق انقلاب و در منطق اسلام...

واقعیت اینست که تا کنون در افغانستان بسیاری مرتجعین وروای و قابل تحت عنوان اسلام عمل کرده‌اند...

اما تا آنجا که در رژیم حاکم افغانستان و اتحاد شوروی مربوط میشود از نظر ما ریشه‌های اشکالات...

آری ما انقلاب را در جوسر استانشانه خود انگیزش و بسیج همه گیر و بگایر باطرزهای ازمه...

حرکت‌های مکانیکی قابل دوام نخواهند بود

بیاد داریم که شورویها یکبار در سال ۱۳۳۴ کشور در جنگلوهای نیو پیاده کردند...

اما نظرها دیساک (بویا) و تحلیل نمودن قضایا در حرکت و بررسی آنها بگونه‌های جریان وارت نتیجه دیگری بدست میدهد...

اینچنینی از سوسالیزم در جنگلوهای نیپود. و اینجا بعضی اینکه امپریالیست‌ها هم نیو پیاده...

اگر سرسازان اسرائیلی در سراسر خاک صربوسایر کشورهای عرب پراکنده می‌شدند...

با اینکه سرسازان اسرائیلی در سراسر خاک صربوسایر کشورها پراکنده می‌شدند...

هر چیز و در نظرها ایدئولوژیکن ناشی از عدم تکیه به پایگاههای اجتماعی و نیروهای میاندیم که بر ضدیبره کشی مصمماند...

باید داریم که شورویها یکبار در سال ۱۳۳۴ کشور در جنگلوهای نیو پیاده کردند...

اما نظرها دیساک (بویا) و تحلیل نمودن قضایا در حرکت و بررسی آنها بگونه‌های جریان وارت نتیجه دیگری بدست میدهد...

اینچنینی از سوسالیزم در جنگلوهای نیپود. و اینجا بعضی اینکه امپریالیست‌ها هم نیو پیاده...

اگر سرسازان اسرائیلی در سراسر خاک صربوسایر کشورهای عرب پراکنده می‌شدند...

با اینکه سرسازان اسرائیلی در سراسر خاک صربوسایر کشورها پراکنده می‌شدند...

مجاهدین هوا داران خود را به رعایت آرامش و خویشتن داری انقلابی فرامی‌خوانند

بنام خدا بنام خلق قهرمان ایران

سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن قدردانی انقلابی از احساسات مقدسی که در قبال مقاله توپنیزمیز روزنامه جمهوری اسلامی در بسیاری مفوف و انتشار مردم قهرمانان در سراسر کشور برانگیخته شد...

۱ - برای انقلابیون راستین این مهمن و ازجمله برادران مجاهد مسعود رجوی و موسی خیابانی که مورد توپنیزمیزمیز روزنامه جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند...

۲ - به برابری باهمه بازمه بهمنظور نیل بمحداکثر آرایش بوزیر در روزهای که امام خمینی در بیمارستان میسر می‌برند از تمام خواهران و برادران و هموطنان...

۳ - به برابری باهمه بازمه بهمنظور نیل بمحداکثر آرایش بوزیر در روزهای که امام خمینی در بیمارستان میسر می‌برند...

۴ - به برابری باهمه بازمه بهمنظور نیل بمحداکثر آرایش بوزیر در روزهای که امام خمینی در بیمارستان میسر می‌برند...

۵ - به برابری باهمه بازمه بهمنظور نیل بمحداکثر آرایش بوزیر در روزهای که امام خمینی در بیمارستان میسر می‌برند...

۶ - به برابری باهمه بازمه بهمنظور نیل بمحداکثر آرایش بوزیر در روزهای که امام خمینی در بیمارستان میسر می‌برند...

سیری کوتاه بر زندگی پنج مجاهد خلق

قبلا وعده داده بودیم که زندگیمان به تن از اعضا (مجاهد شهید محمد رهنمای شهسواری و مجاهد شهید محمدحسن خیابانی) و سه تن از وابستگان به زنیان مجاهدین خلق مجاهدین شهید رضا زنجیرفروش، عباس زنجیرفروش و مقصود جعفرزاده را که در بهمنماه ۵۷ هنگام استقبال از برادران مجاهد موسی خیابانی و احمد حنیف‌نژاد بعد از آزادی از زندان بر اثر تصادف به شهادت رسیدند بنویسیم که هفته قبل بعثت تراکم مطالب موفق به چاپ آن نشدیم و این هفته زندگیمان به این شهدا را می‌نویسیم.

مجاهد شهید محمد رهنمای شهسواری

در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده متوسط در تبریز متولد شد. او دوران دبیرستان را در تبریز گذراند. در دوران دبیرستان در محافل سیاسی - مذهبی شرکت میکرد و سطح آگاهی خود را بالا برد و در عین حال از نزدیک با مردم روبرو شده و فقر ناشی میگرفت و مادرش هم از فقر رنج میبرد. سال ۵۱ وارد دانشگاه شهید شد و در آنجا تحصیل کرد. در دانشگاه شهید کبیری مقررات و ضوابط سخت آموزشی به منظور جلوگیری از فعالیت سیاسی دانشجویان و مشغول نمودن آنها وضع شده بود. ولی محمد که به هوسهای مدیانت هدی و محتوای چنین کاستم آموزشی اصلا "آسایش" و "تربیت" و "تأمین نیاز فنی - اداری برای سرمایه‌داری وابسته ایران است؛ هرگز به این مقررات تن نداد و زیر بار چنین نظامی سرسخت و در همین سالها در دانشگاه شهید سرچشمه‌ترین سرگوب و عتقان شهید حاکمیت داشت. اما، برادرشید ما با انتخاب راه مبارزه شرافتمندانه خویش نه تسلیم دیکتاتوری خون آشام‌جوانی سرگوب آن نشد و نه فریب برنامه‌های اصلاح رفاهی و بورسیا و کجکاپی مالی آنها را خورد. و عین ترتیب با گذشتن فعالیت سیاسی خود در دانشگاه، دست محکمی به دهان رژیم سردروهی "سازش با ناپودی" قرار داد. زود، اما اینکه بالاخره محمد همراه چند تن دیگر از همفکرانش دستگیر شد و در شورای فرهنگستان محکوم به زندان شد.



مجاهد شهید محمد حسن خیابانی



مجاهد شهید محمد رهنمای شهسواری

یاد شهیدان را گرامی میداریم



مجاهد شهید مقصود جعفرزاده



مجاهد شهید عباس زنجیرفروش



مجاهد شهید رضا زنجیرفروش

دستی در کارهای ساختاری متغول کار شد. برادر عباس، جواد زنجیره فروشی، از اعضای سازمان مجاهدین خلق در سال ۵۴ دستگیر شده بود. این مسئله برای عباس این فرصت را فراهم آورد که به اندیشه بر باره ادواتی مجاهدین خلق سرزد. او برای او تا سن این سالها مطرح بود که چرا انجمن جوانان باک و با ایمان که همه وسایل و امکانات یک زندگی راحت و برهه برایشان فراهم است، از همه چیز خود سبک‌ترند و آرام نتوانند.

مجاهد شهید مقصود جعفرزاده

۵ - شهید مقصود جعفرزاده در سال ۱۳۳۷ در یک خانواده متوسط در شهر تبریز متولد شد. پس از طی دوره متوسطه در تبریز به تهران آمد و در رشته راه و ساختمان دانشگاه صنعتی به ادامه تحصیل پرداخت. سراسر وجود برادر شهیدمان عشق و ایمان به خدا و خلق بود.

چطور است چندتا "نشی" بیایورید!؟

از وقتی دکان دوشنبه اختراع شد و فرصت طلایی از رونق افتاده، جلات مشورتی در پیوستی دکان بیشتر تشکیل می‌شود. ظاهر "کاسی‌های مربوطه" طلسم شده و نذر و نیاز و جادو جنین هم کمتر کارگر می‌شود. املا مثل اینک طلسم این دفعه با دفعه‌های پیش فرق دارد. آنطور که هیچ شهیدزاد حرفه ای با هیچ دارم و رسم الهی نمی‌تواند اجرا بشکند.

اینچنانچه در ادامه فضولی‌های گذشته بگرویز پشت پنجره بیرونی هستی که البته فراموش کرده‌بودند جفاقداد و ۳- و تیربار نگذارند گوش استادم و گزارش زیر حامل همین استراق سمع است. از پشت پنجره صداهای زیادی شنیده می‌شد که نتوانستم بدرستی تشخیص بدهم که مال کیست، اما صحبتها واضح بو دو بدون وقفه رد و

یاد شهیدان را گرامی بدریم
سوم اسفند معاد با سالگرد شهادت مجاهد شهید سرگرد علی محبی و مجاهد شهید طلوع شریفی اعضاء سازمان مجاهدین خلق ایران است در سالگرد شهادتشان یادشان را گرامی بدریم بعثت کمبود جا فرمایشی از زندگی این دو شهید قهرمان را در نشریه شماره بعد خواهیم آورد.

مجاهد شهید عباس زنجیرفروش

۵ - شهید مقصود جعفرزاده در سال ۱۳۳۷ در یک خانواده متوسط در شهر تبریز متولد شد. پس از طی دوره متوسطه در تبریز به تهران آمد و در رشته راه و ساختمان دانشگاه صنعتی به ادامه تحصیل پرداخت. سراسر وجود برادر شهیدمان عشق و ایمان به خدا و خلق بود.

مجاهد شهید رضا زنجیرفروش

هنگامیکه به شهادت رسیدن ۱۵ سال بیشتر نداشت. علمبرم سن بسیار کم، از رشد فکری و فاعلیاتی بسیار عالی برخوردار بود. اوفلاقه زبانی به‌مثابه‌مرکزگشت‌آفلاقیون صدرا سلام داشت. و متونی که در این زمینه به دستش سرسبز مطالعه میکرد. در همین حال در رونق دیگر در یک کارگاه آهنگری مشغول بکارگری شد. بانگک جوشگرهای چشم‌هایش را شنیدند آنرا میگردد. ولی او به خاطر عشق و علاقه‌ای که به کار در کارگاه‌ها و شرکت در رنج و سختی آنها میداد، رضا بسیار فعال بود. بطوریکه یک لحظه آرام نداشت. روح سرکش و زانو در آوردند. تا اینکه زندانبانان ساسی را از سبزه‌های تارکس آریامیری که بوی کشیک و اختناق آنها را فرا گرفته بود. آزاد کرده و به میان توده مردم که بوی نابوت و خوشی به بوی آزادی و پیروزی میداد میگشت آوردند.

برادر حسن، موسی خیابانی نیز در میان آنها بود. در یک خانواده مردم او را نیز از زندان آزاد کردند. اینکه به‌عبار چندین سال شکسته و زندان موسی خیابانی و احمد حنیف نژاد به آغوش خلق تبریز بر میگشتند مردم مجاهد پرور تبریز برای یک استقبال با شکره بسج شده بودند و حسن در ترتیب دادن برنامه‌ها ای این استقبال نقش مهمی را ایفا میکرد. او همراه چند نفر از برادران مبارز خود با تکیه بر عقاید انقلابی در حقیقت بخشیدن هرچه بیشتر این استقبال میگوشید که بالاخره همراه با چهار نفر از هم‌زمانان جان خود را در راه عقاید و رسیدن به هدف نثار کردند. او همراه با چهار تن دیگر از هم‌زمانانش که از خود و خوبی می‌دیده به استقبال مجاهدین از بند رسته میباشند تا ۱۳۰ کیلومتری تبریز پیش رفته بودند که در راه بازگشت در

مجاهد شهید عباس زنجیره فروش

وی در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده متوسط در تبریز بدنیا آمد. پس از طی دوران متوسطه وارد انستیتو تکنولوژی تبریز شد و در رشته راه و ساختمان متوسطه تحصیل گشت. او در حالیکه درس میخواند به

بدل می‌شد: "عجیبات است که این ملت رویشان خیالی زیاد شده و املا حاضر نداشتند گویا بپایند و در کار بزرگترها دخالت نکنند و هرچه گفتیم بگویند چشم؟"

۵ - شهید مقصود جعفرزاده در سال ۱۳۳۷ در یک خانواده متوسط در شهر تبریز متولد شد. پس از طی دوره متوسطه در تبریز به تهران آمد و در رشته راه و ساختمان دانشگاه صنعتی به ادامه تحصیل پرداخت. سراسر وجود برادر شهیدمان عشق و ایمان به خدا و خلق بود.

مجاهد شهید مقصود جعفرزاده

۵ - شهید مقصود جعفرزاده در سال ۱۳۳۷ در یک خانواده متوسط در شهر تبریز متولد شد. پس از طی دوره متوسطه در تبریز به تهران آمد و در رشته راه و ساختمان دانشگاه صنعتی به ادامه تحصیل پرداخت. سراسر وجود برادر شهیدمان عشق و ایمان به خدا و خلق بود.

۵ - شهید مقصود جعفرزاده در سال ۱۳۳۷ در یک خانواده متوسط در شهر تبریز متولد شد. پس از طی دوره متوسطه در تبریز به تهران آمد و در رشته راه و ساختمان دانشگاه صنعتی به ادامه تحصیل پرداخت. سراسر وجود برادر شهیدمان عشق و ایمان به خدا و خلق بود.

۵ - شهید مقصود جعفرزاده در سال ۱۳۳۷ در یک خانواده متوسط در شهر تبریز متولد شد. پس از طی دوره متوسطه در تبریز به تهران آمد و در رشته راه و ساختمان دانشگاه صنعتی به ادامه تحصیل پرداخت. سراسر وجود برادر شهیدمان عشق و ایمان به خدا و خلق بود.

هفته نامه "مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول - شماره ۵ آذرماه ۱۳۵۱ - تهران - صندوق پستی شماره ۶۷۱۵۵۱